

میشود و توجه جامعه را به خود جلب میکند.

در مقابل، از مدتها پیش روسای بزرگ و کوچک رژیم و ارگانهای جاسوسی اطلاعاتی و خانه کارگر

رژیم و شوراهاى اسلامى‌شان، برای تقابل با صف کارگران و مردم معترض خود را آماده میکنند. تلاش دارند مانع بیدان آمدن وسیع ما، مانع حرکات یکپارچه و رادیکال ما و مانع رشد مبارزه و اعتراض ما شوند.

از شریک در قدرت تا اپوزیسیون که خود سالها منکر وجود چیزی به اسم کارگر بودند در کمین نشستند. آنها نیز در فکر بهره‌برداری از مبارزه کارگران در راستای اهداف ضد کارگری خود هستند. آنان نیز در تلاشند تا

یک جنبش انسانی، برابری طلب و سوسیالیست را با زدن رنگ و بوی قومی، ملی و مذهبی، در خدمت اهداف ضد کارگری و ضد انسانی خود سوق دهند

و آن را عملاً از هر نوع مضمون و محتوای انسانی خالی کنند. اول ماه مه روز همبستگی جهانی

میشود و توجه جامعه را به خود جلب میکند.

در مقابل، از مدتها پیش روسای بزرگ و کوچک رژیم و ارگانهای جاسوسی اطلاعاتی و خانه کارگر رژیم و شوراهاى اسلامى‌شان، برای تقابل با صف کارگران و مردم معترض خود را آماده میکنند. تلاش دارند مانع بیدان آمدن وسیع ما، مانع حرکات یکپارچه و رادیکال ما و مانع رشد مبارزه و اعتراض ما شوند.

از شریک در قدرت تا اپوزیسیون که خود سالها منکر وجود چیزی به اسم کارگر بودند در کمین نشستند. آنها نیز در فکر بهره‌برداری از مبارزه کارگران در راستای اهداف ضد کارگری خود هستند. آنان نیز در تلاشند تا

یک جنبش انسانی، برابری طلب و سوسیالیست را با زدن رنگ و بوی قومی، ملی و مذهبی، در خدمت اهداف ضد کارگری و ضد انسانی خود سوق دهند

و آن را عملاً از هر نوع مضمون و محتوای انسانی خالی کنند. اول ماه مه روز همبستگی جهانی

میشود و توجه جامعه را به خود جلب میکند.

در مقابل، از مدتها پیش روسای بزرگ و کوچک رژیم و ارگانهای جاسوسی اطلاعاتی و خانه کارگر رژیم و شوراهاى اسلامى‌شان، برای تقابل با صف کارگران و مردم معترض خود را آماده میکنند. تلاش دارند مانع بیدان آمدن وسیع ما، مانع حرکات یکپارچه و رادیکال ما و مانع رشد مبارزه و اعتراض ما شوند.

## در اول ماه مه با اعتراض به نظام بردگی سرمایه به خیابانها بیاییم!

همیشگی کارگران با کارفرمایان و دولت، ما شاهد اعتراضات وسیع و رادیکال در ۸ مارس و چهارشنبه سوری و نوروز بودیم. بدنبال این وقایع بدرستی چشمها به حرکت طبقه کارگر و اقشار مختلف و محروم جامعه در روز جهانی کارگر دوخته شده است. مردم میدانند که اوضاع به نسبت پارسال تغییر کرده است. میدانند که جمهوری اسلامی از هر زمان ضعیفتر و توازن قوا میان مردم سرنگونی طلب و جمهوری اسلامی و مدافعان حفظ وضع موجود، به نفع مردم چرخیده است. پروژه دوم خرداد در هم شکسته است، کارگران، زنان، جوانان، معلمان و اقشار مختلف مردم با اعتماد به نفس و امیدواری بیشتر مشغول صف آرایی خود هستند. جنبش برابری طلبانه از هر امکان و فرجه‌ای استفاده میکند و با قدرت بیشتر اهداف شفافتر به خود آرایش میدهد و با پلاتفرم و خواسته‌های همه‌گیر و انسانی وارد میدان



خالد حاج محمدی  
khaledhajji@yahoo.com

چند روزی بیش به اول ماه مه نمانده است. امسال مبارزات وسیعی از طرف کارگران و اقشار مختلف مردم علیه سرمایه‌داران و دولت حامی آنها در شهرهای مختلف ایران پیش برده شد. مدتها جلو مجلس در تهران محل کشمکش کارگران و مردم معترض با نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی بود. اعتراضات رادیکال، وسیع و همه جانبه معلمان در تهران و شهرستانهای دیگر جنبش اعتراضی و حق طلبانه مردم را قدمها جلو برد. در شهرهای کردستان جدا از کشمکشهای

## کنفرانس برلین و رویاهای برباد رفته

شکست حدود دوسال پیش کنفرانس برای خیلها ارتجاعی نیز بود. در کنفرانس برلین قرار بود اجازه انتشار روزنامه گنجی، محافظ نورچشمی خمینی در دوران به قدرت خزیدن جمهوری اسلامی و کسی که در دوران سیاه سال ۶۰ از پاسدار مومن های

مکتبی بود را بعنوان گشایش سیاسی و آزادی بیان در دنیا جار بزنند. قرار بود آقای "دکتر" جلاتی پور که چند روزی قبل از مسافرت به برلین از نقش مستقیم خود در کشتار ۵۹ زندانی مخالف و "مشکوک" به مخالفت

سیاسی در سال ۶۲ با همان وقاحت جلادان اسلامی دفاع کرده بود بعنوان دگرواندیش، محقق و "جامعه شناس" و "منتقد"

زیاده‌رویهای جمهوری اسلامی به افکار عمومی فروخته شود. قرار بود بگویند که ایران تحت ریاست

یک آخوند مرتجع دارد اصلاح میشود، میخواستند رژیم اسلامی را رژیمی نشان دهند که با چنان شخصیتهای خوش سابقه ای می تواند اعتماد دولت و شرکتهای اروپائی را بخود جذب کند تا تجارت و وام

و سرمایه گذاری و صدور پسته و قالی اصیل ایرانی راه افتد و زعما خیالشان راحت شود که بعد از ۲۲ سال کشتار و نسل کشی و قصاص و سنگسار، رژیمشان را نگاه خواهند داشت. شکست کنفرانس برلن به همت کمونیستها

صفحه ۲

## انحلال رسمی پ.ک.ک

است، "کنگره آزادی و دموکراسی کردستان"، ظاهراً حزب سیاسی نیست، خودشان هم میگویند هدف این کنگره شرکت در حاکمیت و یا کسب قدرت سیاسی نیست، بلکه سازمانهای سیاسی دیگر؟ را در خاورمیانه؟ که بقول این کنگره در خط "دموکراسی؟" فعالیت میکنند، مورد پشتیبانی و حمایت خود قرار خواهد داد! لفاظیهای پایانی این کنگره و ادعاهای مبهم رهبری آن را که میتوان بهر چیزی تفسیر کرد، انعکاس وضعیتی است که رهبری پ.ک.ک.ای سابق در آن بسر میبرد.



حسین مرادیبگی

کنگره هشتم پ.ک.ک در ماه آوریل برگزار شد. رهبران آن، سرانجام انحلال پ.ک.ک را رسماً اعلام کردند. چیزی که اکنون بجای پ.ک.ک.ای سابق ایجاد شده

صفحه ۲

جوایه ای به

اطلاعیه های "دبیرخانه"

سازمان زحمتکشان

صفحه ۳

فاشیسم دولتی

اسرائیل

صفحه ۴

ایسکرا

سرمدبیر: ایرج فرزاد

iraj\_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گبرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

طول موج

۳۱ متر برابر با

۹۹۴۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی



## روز اول مه مارکس را به خیابانها بیاوریم!

دگرگونی عظیم، کارگران نیازمند کسب یک خودآگاهی عمیق اجتماعی و تاریخی، نیازمند متحد کردن صفوف خود و نیازمند درک امکاناتی هستند که برای تحول جامعه موجود، وجود دارد. در اول مه، باید پرچم این خودآگاهی و این اتحاد طبقاتی را برافراشت. باید پرچم مارکس را برافراشت. در اول مه، مارکس باید دوباره به خیابانها برگردد. این کلید پیشروی طبقه کارگر است.

در اول مه امسال، در خیابانهای پاریس، برلین، لندن، رم، پترزبورگ، استکهلم پرچم مارکس را به اهتزاز در آوریم و مارکس را به خیابانها بیاوریم.

### زنده باد اول مه!

### زنده باد پرچم مارکس!

### زنده باد کمونیسم کارگری!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۸ آوریل ۲۰۰۲

صالحی را دستگیر کردند و نمیخواستند در مراسم اول مه شرکت کند. اینها را باید با هوشیاری جواب داد و نمونه برخورد کارگران و مردم مبارز شهر سقز در اول ماه مه پارسال و اعتراض یکپارچه به توطئه دستگیری محمود صالحی نمونه جالب و موفق بود. هر نوع دستگیری و توطئه رژیم تنها با اعتراض وسیع ما میتواند خنثی شود. رژیم باید بدانند هر نقشه شومی، هر تهدیدی و هر نوع دستگیری فعالین و مبارزین، با اعتراض وسیع جواب خواهد گرفت.

بی‌شک در این میان نقش فعالین کارگری و رهبران کمونیست مهم و حیاتی است. پیش بردن این امر مهم قبل از هر کس بر دوش بخش آگاه و رادیکال، بر دوش فعالین سوسیالیست و برابری طلب است.

۵ اردیبهشت ۸۱

۲۵ آوریل ۲۰۰۲

\*\*\*

اول مه روز همستگی جهانی کارگری، روز اعتراض ضد سرمایه داری طبقه کارگر است. در اول مه، باید این حقیقت را فریاد زد که جامعه موجود بر پایه استثمار طبقاتی بنا شده و بر پاشنه تحمیل هر روزه بردگی مزدی بر طبقه کارگر می چرخد، باید فریاد زد که تا استثمار طبقاتی و بردگی مزدی برچیده نشود، اکثریت عظیم انسانها روی خوش نخواهند دید و از حاصل تلاش خود نخواهند آسود. این حقیقت را مارکس با نقد عمیق جامعه معاصر، به بشریت آموخته است. بشریت امروز بیش از همیشه به مارکس، به آموزش های مارکس، به کمونیسم مارکس نیاز دارد. در اول مه، مارکس را باید به خیابانها آورد.

اعتصاب بزرگ کارگران در ایتالیا، تازه ترین نشانه این حقیقت تاریخی است که نیروی مادی تغییر این جامعه وارونه، طبقه کارگر است، برچیدن این نظام اسارتبار و بنا کردن یک دنیای بهتر کار طبقه کارگر است. برای تحقق این

سرمایه‌داران و دولت اسلامی یکپارچه در اول مه به میدان آوریم. در عین حال باید توطئه‌های دولت و ارگانهای پلیسی و خانه‌های کارگر و مسئولین ریز و درشت آنها را خنثی کرد. قبل از هر چیز سعی کنیم مراسمهای دولتی را تحریم کنیم و این تلاش مذبوحانه رژیم را برای منحرف کردن مبارزات انسانی ما مردم آزادیخواه را خنثی کنیم. تلاش مقامات دولتی، نیروهای انتظامی، اطلاعاتی و آخوند و مرتجعین را برای حضور در مراسمهای خود را، با اعتراض یکپارچه جواب دهیم. اول ماه مه و مراسمهایی که تشکیل میدهم نباید به محل مرثیه خوانی و ایراد نطق مرتجعین و دشمنانمان تبدیل شود. همگی به یاد داریم که پارسال در اول مه رژیم دست به نظامی کردن شهرها زد. بیاد داریم که در سنندج طیف وسیعی را برای ترساندن و ممانعت از پیشبرد مراسمهای اول مه دستگیر کرد. بیاد داریم که در سقز با قلدری محمود

## در اول ماه مه

۶۷ در سالهای ۶۷، ۶۸، ۶۹

و در اوج اختناق و قدرقدرتی رژیم اسلامی ایران بوده‌اید و صاحب تجارب ارزنده و قابل اتکایی هستید. مراسمهای اول ماه مه سال گذشته سال ۸۰ کارگران در شهر سقز و شهرهای دیگر نمونه‌های بسیار خوبی است که نهایت هوشیاری شما رفقا را به نمایش گذاشت. امسال نیز این تجارب را باید بکار بست و ارتقا داد. امسال نیز باید تلاش کنیم ضمن طرح خواسته‌های اساسی خود، مطالبات فوری و عاجل سیاسی، اقتصادی خود را که وسیعترین توده کارگران و مردم را حول خود جمع کند، مطرح کنیم. افزایش دستمزدها، بیمه بیکاری مکفی، حق تشکل و اعتصاب، آزادیهای سیاسی، برابری کامل زن و مرد، خواست فوری ما کارگران و محرومان جامعه است. برای تحمیل خواسته‌های خود به سرمایه‌داران و دولت ضد کارگری جمهوری اسلامی، باید با قدرت هر چه بیشتر بمیدان آییم.

بی‌شک در شهرهای کردستان باید تلاش کنیم صف یکپارچه و متحد خود را همگام و هماهنگ با سایر کارگران در شهرهای ایران به میدان آوریم. خواسته‌های ما کارگران در روز جهانی کارگر پارسال که در قطعه‌نامه اول مه جمع شده بود، کارگران و مردم محروم جامعه را در شهرهای کردستان به میزان زیادی به هم وصل کرد و در شهرهای مختلف و مراسمهای مختلف از سنندج، سقز، بوکان، مریوان، بانه، کامیاران و سایر شهرها به عنوان مطالبات کارگران به تصویب رسید. این سند گرانبها را تلاش کنیم به شهرهای دیگر ببریم و اول ماه مه بهترین امکان برای این امر است. این روز و مناسبت آن به ما امکان میدهد که مرزهای شهری و منطقه‌ای را در هم شکسته و جنبش برابری طلبانه و انسانی خود را در ابعادی سراسری به هم وصل کنیم. موفقیت ما در گرو بمیدان آوردن توده هر چه وسیعتر و در گرو همبستگی سراسری ماست. موفقیت ما در گرو این است که توانسته باشیم خواسته‌هایمان را یکی کنیم و صف متحد خود را در مقابل

طبقه کارگر، روز اعتراض به بنیادهای نظام سرمایه داری، روز اعتراض ما به کار مزدی و روز طرح خواسته‌ها و مطالبات کارگری ماست. بی‌شک در این روز باید تلاش کنیم صف اعتراضی خود را هر چه دامنه‌دارتر کنیم، اقشار مختلف مردم محروم را از زنان تا جوانان، تا معلم و دانش‌آموزان را به میدان آوریم. همه باید بدانند که امروز روز کارگر، روز محرومان جامعه، روز اعتراض به هر نوع ستم و روز اعتراض به سرمایه و رژیم اسلامی حامی آن است. باید به همه نشان دهیم که خواست ما و دنیای مورد نظر ما دنیایی انسانی و برابر است و نیروی مدافع این دنیا در میدان است و حق به‌جانب خواهان تحولات اساسی و بنیادی در زندگی خود و کل بشریت است. باید به همه نشان دهیم که مبارزه کارگران در ایتالیا، آلمان، فرانسه و انگلستان و چین و هر نقطه دیگر این کره خاکی، بخشی از مبارزه ماست. باید نشان دهیم که ما از تقسیمات صفوف خود به سیاه و سفید، به ملیتهای مختلف، به مذاهب و ادیان مختلف بیزاریم و این جز دشمنی با کارگر و مردم محروم جامعه چیزی نیست. ما کارگریم و با کارگران در سراسر جهان همسرنوشت هستیم.

### به کارگران در شهرهای کردستان!

رفقای کارگر، فعالین و رهبران عملی مبارزات کارگری! شما در شهرهای کردستان شاهد مراسمهای با شکوه اول ماه مه

کمونیستها و همه آزادیخواهان و میلیونها زن و مرد و پیر و جوان ایران است. حقایق کنفرانس برلین و اهداف واقعی‌ای که جناح پاسدار- ژورنالیست و جلا - دگراندیش در دستور داشتند، صحت مواضع کمونیستها و سیاست کمونیسم کارگری را اثبات کرد. بدون خلاص شدن از جمهوری اسلامی، هر بخشی از خوشبختی مردم، آزادی عقیده و بیان و اندیشه بی معنی است.

\*\*\*

## کنفرانس برلین

و آزادیخواهان این رویای ارتجاعی را به باد فنا سپرد. عده‌ای ورشکسته سیاسی که جریان دوم خرداد را مفری برای ابراز وجود و پرواز گرایش حاشیهای خود یافته بودند، با شکست کنفرانس برلین انگار متولد نشده، مجلس ترحیم خود را نظاره گریبوندند.

در طیف قدیمی‌تر اپوزیسیون پروریم، از جناب بهمن نیرومند گرفته که نقش واسطه و مهماندار را برعهده گرفته بود تا راه توده و اکثریت، شاهد ترکیبی از شوق و هراس، شیفتگی و نفرت بودیم. برای اینها کنفرانس برلین شاید از آخرین تفلها در راه حفظ و نجات رژیم "میهن" اسلامی شان بود. میخواستند با حضور اقتصاددانان "داخل" و هنرمندانی از قبیل محمود دولت آبادی که دستاوردهای خونین حکومت اسلام منبع الهام او در خلق آثار "آبی" است و بعد از کنفرانس برلین هم فرمود که اهانت به جمهوری اسلامی را اهانت به خود میدانند، زیر عبای خاتمی دسته جمعی با میثاق خود با بنیانهای جمهوری اسلامی تجدید عهد کنند. نتوانستند بفهمند عکس العمل کمونیستها و آزادیخواهان به نمایش و مضحکه کنفرانس برلین، چگونه مورد استقبال وسیع توده‌های مردم ایران قرار میگیرد که برای خلاصی از بختک جمهوری اسلامی روزشماری میکنند. تمام هنر و فن ژورنالیسم پاسداری و همه شکردهای باز جوئی و زندانبانی را بکار گرفتند تا شکست رویای شکوفائی جمهوری اسلامی زیر لبخند آخوندی که خدمتاش به اسلام در دوره مشاور رهبر در امور تبلیغات در دوران جنگ ایران و عراق با فرستادن دانش‌آموزان دبستانی روی مین و به کشت دادن بیش از ۱۴۰۰۰۰ دانش آموز در پرونده اش ثبت بود، به روی خود نیاورند. اتفاقات بعد از کنفرانس برلین، به وضوح به همه نشان داد که بحث مدنیت و آزادی بیان، تحت رژیمی که حتی مدافعین دلسوز خود را تحمل نمیکند، پوچ است. این رژیم باید برود. این شعار

## عذر بدتر از گناه

جوابیه ای به اطلاعاتی های

"دبیرخانه سازمان زحمتکشان"

"دبیرخانه سازمان زحمتکشان" مجبور شده است طی دو اطلاعیه ظرف یک هفته، افتضاح سیاسی ناشی از انتشار نوشته امین صادقی (عبدالله مهتدی) را در سایت مربوطه‌شان (بروسکه) سرهم بندی کند. طبق معمول تلاشی ناشیانه را برای وارونه جلوه دادن حقایق به خرج داده‌اند. در جواب به اکاذیب دبیرخانه باند نامبرده و برای روشن شدن افکار عمومی توضیحاتی را ضروری میدانیم.

۱- "دبیرخانه سازمان زحمتکشان" با علم به افتضاح سیاسی که سایت بروسکه مجری آن بوده است، تلاش میکند مسئولیت این کار را از دوش سازمان و سرکرده‌شان بردارد و به زعم خودش به نحو کم‌ضررتی همه عواقب آن را به نام خود سایت بروسکه ثبت کند. در این توضیح

ناشیانه از قول مسئول سایت بروسکه اعلام کرده‌اند، که این سایت "مستقل؟! است و باز از قول این مسئول "مستقل" فرموده‌اند که مسئولیت مقالات با "نویسندگان" آنهاست. برای هر کس که در این دو ساله با سایت بروسکه آشنایی پیدا کرده و برای آنهايي که میدانند عضویت مسئول سایت بروسکه در کمیته مرکزی این باند اساسا به خاطر اداره همین سایت لمپنی- پلیسی است، این توضیحات جای تمسخر است.

۲- اعلام کرده‌اند که "نوشته امین صادقی از طرف باند آنها نوشته و ارسال نشده و ایشان را نمی‌شناسند" این ادعا هم بی‌پایه است. خود آنها درست به مانند ما میدانند، این "شاهکار ادبی" با فضای روحی - روانی حاکم بر آن، "هنر" کیست. علاوه بر آن بسیاری خارج از صفوف حزب کمونیست کارگری هم به

این موضوع واقفند، که یکی از سران "سازمان زحمتکشان" به چنین اقدامی دست زده است. تازه "دبیرخانه زحمتکشان" اگر رو به بیرون تنها راه را در ارائه کذب انتخاب کرده است، اما مشاهده سر راست و ساده رابطه مستقیم مسئول سایت بروسکه و جناب "امین صادقی" و شخصیت واقعی مخفی شده زیر این نام را چگونه توضیح میدهد. برای اطلاع عموم ورژن اولیه نوشته "امین صادقی" چند ساعت روی سایت بروسکه گذاشته شد. سپس برداشته شد. در یک رفت و برگشت و همفکری مسئول سایت و جناب "امین صادقی"، اسم یک عضو کمیته مرکزی "سازمان زحمتکشان" که مثل اینکه در نتیجه نزاعهای درون تشکیلاتی مورد اتهام قرار گرفته بود، حذف شد و ورژن جدید گذاشته شد. (هر دو ورژن نزد ما موجودند). همین مکانیسم و مناسبات بین مسئول سایت بروسکه و جناب "امین صادقی" نشان میدهد که "امین صادقی" جعلی، یک فرد واقعی بالای سر مسئول "مستقل" سایت بروسکه بوده و نزد او معرفی شده است. و قاعدتا بیچاره

مسئول سایت بروسکه به عنوان عضو کمیته مرکزی وظیفه‌شناس ماجرا را به اطلاع دبیرخانه سازمان مربوطه رسانده است، اما منفعت مشترک سازمانی چنین حکم میکند، این افتضاح فعلا به پای او نوشته شود. اما حتی این توجیحات هم کمیکی به آنها نمیکند. این سایت آنها است و علاوه بر سهم مسئول سایت، بی‌پرسی حاکم بر آن دستپخت خود آنها است و مسئولیتش هم به گردن خودشان است.

۳- اطلاعیه شماره ۲ "دبیرخانه باند زحمتکشان" به روشنی اعتراف میکند، که به خاطر پروکاسیون لمپنی- پلیسی اینمدت تحت فشار و مورد سرزنش قرار گرفته‌اند. طبعاً این عکس‌العملی بر حق در مقابل کمپین به شیوه وزارت اطلاعات است که علیه رهبران کمونیست و مبارزین شناخته شده ضد جمهوری اسلامی راه‌انداختند. طبیعی است که کمپین لمپنی - پلیسی سازمان زحمتکشان و سایت مربوطه‌شان (بروسکه) با محکومیت وسیعتر و روشن انسانهای متمدن و آزادیخواه روبرو شود. سایت بروسکه به عنوان ابزار سر راست

این کمپین سیاه لازم است تحریم شود. "دبیرخانه سازمان زحمتکشان" فشار ناشی از رسوائی شان را منعکس میکند، اما در همانحال در همان فضای لجنی نوشته شده که "امین صادقی" و سایت بروسکه مبتکر آن بودند. از "دبیرخانه" باندی که فلسفه وجودیش را ضلالت با کمونیسم کارگری تعریف کرده‌است و با ضرب پول و "جعبه سیاه" و نقشه و توطئه مشترک طالبانی- مهتدیها از کومهله جدا شده و در منجلااب افکار و سیاست قومی- فاشیستی دست و پا میزنند، جز این نمیتوان انتظار داشت. پرونده "رنگین" اینها را باید جلو چشم مردم گرفت و پروکاتوره‌های "سازمان زحمتکشان" و "سایت بروسکه" را لازمت تماماً افشا و رسوا کرد.

**دبیر خانه کمیته  
کردستان حزب  
کمونیست کارگری  
ایران  
۲۵-۴-۲۰۰۲**

سیاسی ای پشتیبانی میکنند که در خط دمکراسی باشند" یا "از این تاریخ به بعد ادامه فعالیت تحت نام پ.ک.ک غیر مشروع است" در حالی که خود تحت این نام دیگر فعالیت نمیکند، یا "دخالته در مسائل فرهنگی و غیره در کردستان ایران و عراق و ترکیه و سوریه را تعقیب میکنند"، جای هر نوع ماجراجویی و کاملاً تبدیل شدن این رهبری را به ابزار دست دولتهای ارتجاعی منطقه که پ.ک.ک قبلاً ظرفیت آن را از خود نشان داده است، باز گذاشته است. رهبران پ.ک.ک کای سابق بجای مبارزه علیه دولت ترکیه دارند نیروی باقی مانده خود را پیش دولتهای ارتجاعی منطقه به حراج میگذارند. مردم کردستان بویژه در کردستان ایران باید هوشیار باشند و بقایای این سازمان شبه مذهبی - ناسیونالیستی را از میان خود سریعاً طرد کنند. در این مورد به گزارش پایانی کنگره هشتم، بزبان کردی در سایت پنجره مراجعه کنید.

۲۴ آوریل □

مورد "تروریست" خواندن آنان نمیدهد. در میان دیگر دولتهای اروپای واحد نیز هنوز بدلیل فشار ترکیه اختلاف نظر زیادی بر سر خارج کردن پ.ک.ک کای سابق (کنگره جدید) از لیست "تروریستها" وجود دارد. باید دید که صف "تمدن دمکراسی" که رهبری پ.ک.ک کای سابق بادیان امید خود را به آنان سپرده است، چه توقعات و انتظارات دیگری را پیش پای این رهبری میگذارد!

پ.ک.ک منحل شده است، "تمدن دمکراسی" هم این را ایجاب میکرد. خودشان هم میگویند چیزی بود مربوط به گذشته، لیکن رهبری آن هنوز از فکر حراج گذاشتن ظرفیتهای ارتجاعی آن پیش نیروهای "تمدن دمکراسی" دست برداشته است. مثل "قیاده موقت" (پارتی فعلی) در ایران قبل از انقلاب ۵۷ که نیرویش را در اختیار جمهوری اسلامی گذاشت. اشاره به عباراتی مبهم و دوپهلوی از قبیل: "مبارزه با نیروهای ارتجاعی مخالف تمدن دمکراسی در منطقه را ادامه میدهند"، یا "تنها از نیروهای

قلدری آن در کردستان عراق و شیوه های تروریستی آن نیز به نوبه خود به این پروسه کمک کرد. کنگره هشتم پ.ک.ک بجای بررسی علل واقعی این رویداد، برای انحلال پ.ک.ک کف میزند! تاریخ برگزاری آنها به قبل از نشست دولتهای کشورهای واحد اروپا انداخته شد تا با اعلام علنی انحلال پ.ک.ک این نشست بتواند "کنگره آزادی و دمکراسی کردستان" را از لیست "تروریستها" خارج کند و رهبران و صفوف پ.ک.ک کای سابق را "غسل تعمد" دهد!

با این حساب باید منتظر تحولات دیگری نیز در "کنگره آزادی و دمکراسی کردستان" بود. چون از دولت فاشیست ترکیه که بگذریم که با تغییر و یا بدون تغییر نام و حتی تسلیم و اشد مجازات تک تک آنان هنوز هم رضایت نمیدهد، مهد "تمدن دمکراسی"، دولت آمریکا هم هنوز آنان را "تروریست" میخواند. دولت آمریکا یک روز بعد از پایان این کنگره و اعلام انحلال پ.ک.ک اعلام کرد که تغییر نام تغییری در سیاست آمریکا در

خودمختاری در چهارچوب کشور ترکیه، که پ.ک.ک مدتی بدنبال آن بود، نیز خیلی زود مسجل شد. به اینها باید فاشیسم دولت ترکیه، پشتیبانی دولت آمریکا از آن، سکوت و بی تفاوتی دیگر دولتهای اروپائی در مقابل مساله کرد در ترکیه که ابعاد ویرانی و جنوساید آن خیلی بیشتر از بوزنی و هرزگونا بود را نیز اضافه کرد. رهبری پ.ک.ک بجای ادامه مبارزه سیاسی علیه دولت ترکیه و علیه وضع موجود، میدان را خالی کرد، بر بی افقی سیاسی خود در کردستان ترکیه صحه گذاشت و خود را با شرایط جهان بعد از جنگ سرد و سیاست نیروهائی که آن را رقم میزنند، تطبیق داد. مصطفی بارزانی با اتمام پشتیبانی حکومت سابق ایران، گفت: "کار من تمام شد" و خود را منحل کرد، رهبری پ.ک.ک نیز که دیگر در چهارچوب استراتژی سیاسی سابق خود که بر بستر آن نیرو گرفته بود افقی برای خود نمی دید، در مقابل فاشیسم دولت ترکیه و حامیان آن زانو زد و پایان کار خود را اعلام کرد. البته توحش پ.ک.ک،

## ۱۰۰۰ انحلال پ.ک.ک

بود در میان ناسیونالیستهای کرد نفوذ و اعتبار زیادی بهم زد. موقعیت بین المللی ترکیه که به مساله کرد ابعادی جهانی میداد، نیز به مطرح شدن بیشتر پ.ک.ک و ازدیاد نفوذ آن در میان ناسیونالیستهای کرد تاثیر داشت. لیکن پ.ک.ک، علی‌رغم موقعیتی که پیدا کرده بود، از آرایش جهان بعد از جنگ سرد بی تاثیر نماند. خروج اجباری از سوریه و سرباز کردن بحران درونی پ.ک.ک که مدتها بود آن را با خود یکدک میکشید، یکی از نتایج آن بود. بدنبال آن استراتژی "کردستان بزرگ" با حمله مشترک پارتی و اتحادیه میهنی و ارتش ترکیه به نیروهای پ.ک.ک، بهوا رفت. ناخوانی این استراتژی با واقعیتهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود در کردستان ایران و عراق و ترکیه و سوریه و عدم پشتیبانی مردم آن مناطق از آن، بزودی معلوم شد. بیهوده بودن استراتژی شکست خورده دیگری،

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

## فاشیسم دولتی اسرائیل و تراژدی انسانی



عبدالله شریفی

بازیه‌های دیپلماتیک خانوادگی و ملاقات عرفات از طرف "خودیها" با ممانعت روبرو شده است. سه هفته قبل در اوج حملات خونین به مناطق فلسطینی نشین، دولت اسرائیل از ملاقات هیئت عازم از سوی اتحادیه اروپا ممانعت به عمل آورد تا سرانجام این هیئت به رهبری خاویر سولانا چهارشنبه ۲۴ آوریل یاسر عرفات را در محل بازداشتگاهش ملاقات کرد. سولانا در نظر دارد که مقامات

دولت اسرائیل را نیز ملاقات کند. تا اینجای این بازی، او انزوای عرفات و محاصره کلیسای مهد در بیت اللحم را دو مشکل اساسی بر سر راه آتش بس اعلام کرده است. او از کشتار مردم فلسطین و جنایت دولت اسرائیل هنوز چیزی نگفته است. با این همه جنایات و کشتار، کاولین پاول وزیر امور خارجه آمریکا در نطق روز چهارشنبه ۲۴ آوریل در واشنگتن بی شرمانه رو به جهانیان میگوید که از نظر او هیچ سندی وجود ندارد که نشان دهد نظامیان اسرائیل "قتل عامی" مرتکب شده باشند! مقامات دولت فاشیستی اسرائیل همچنان کشتار و ویرانگری در اردوگاه جنین را جنگ علیه "تروریسم" مینامند!

این جنگ اگر چه مستقیم مردم محروم فلسطین را قربانی میکند، اما جنگی است علیه کل بشریت، جنگی است برای ارباب جامعه انسانی در سراسر کره زمین، جنگی است علیه تمدن و فرهنگ انسان امروز، جنگی است علیه تلاشهای جامعه بشری برای زندگی سعادتمندتر. فاشیسم شارون یکی از وحشیانه ترین پدیده های معاصر است که این تراژدی انسانی را بدون پرده پوشی در انظار دنیا مرتکب میشود. سیمای دیگری از نظم نوین جهانی در تلاش آمریکا و دست نشاندهانش برای بازی کردن نقش ژاندارم در هر نقطه دنیاست. خالقان این جنگ ضد انسانی (که حتی دیدن صحنه های آن از راه دور هم غیر قابل تحمل است)، در ژست ناجیان در حال "فعالیت دیپلماتیک" برای رفع

"تشنج" بسر میبرند. سران آمریکا وسازمان ملل و اصحاب و انصارش در پشت درهای بسته جلسه میگیرند و سرنوشت میلیونها انسان را به بازی میگیرند. کوفی عنان هیئت "حقیقت یاب" برای بررسی فجایع اردوگاه جنین سازمان داده است که آماده پرواز است تا تحقیق کند که آیا کی را باید محکوم کرد؟! که البته با مخالفت دولت اسرائیل مواجه است. دید و باز دیدها بر متن این صفحه سیاه به جریان افتاده است. ... در مقابل اما انزجار و نفرت وسیع علیه این فاشیسم سراسر دنیا را فرا گرفته است، میلیونها انسان علیه این جنگ ویرانگر معترضند. دنیا تنها با جنگ طلبان و فاشیستها ترسیم نمیشود. صلح طلبی نیز وجهی دیگر از سیمای جهان است. در مقابل این جنگ خونین نیز نیروی عظیمی وجود دارد، نیرویی با ابعاد جهانی، این نیرو به معنی واقعی صلح میخواهد، زندگی میخواهد، امنیت میخواهد. فشار جهان نوعدوست و متمدن، صلح طلب و آزادیخواه باید در مقابل دول آمریکا و غرب و دول عربی و سازمان ملل و ... برای خاتمه دادن به این مسابقه کشتار قرار گیرد. این توحش باید فوراً متوقف شود. خروج بی قید و شرط نیروهای اسرائیلی از سرزمینهای اشغالی و برسمیت شناختن دولت مستقل فلسطین خواست مردم آزادیخواه جهان است. تحقق این خواسته ها را باید تحمیل کرد. با تشکیل دولت مستقل در فلسطین، مردم جامعه فلسطین امکان میابند نفسی بکشند. کارگر، زن، جوان و در یک کلام مردم آن جامعه، فرصت می کنند که به سرنوشت خود بیندیشند. جامعه اسرائیل و فلسطین کویر برهوت آدمکشان فاشیست قومی و مذهبی نیست. جوامعی است با استانداردهای جهان امروز که در غیاب این توحش همبستگی و رشد آن در مسیر دیگری قرار میگیرد. دولت اسرائیل تنها دولت کشتار و

میباشد. سازماندهی ترورها و عملیات انتحاری به دستور و نقشه سران اسلامی ایران صورت می گیرد. عملیات تروریستی و انتحاری گروههای اسلامی، کودکان دبستانی، رهگذران عادی، خریداران و فروشندگان و مسافران در شهرهای اسرائیل را قربانی میکند. عملیات انتحاری، عملی کثیف و ضد انسانی است و به کشتار انسانهایی مبادرت میشود که در این جنگ نقشی ندارند و حتی ممکن است مخالف جدی آن باشند. منفجر کردن خود و انسانهای بی دفاع و مدنی، جنبش مقاومت مسلحانه هیچ مردمی نیست، بلکه عین ترور است و باید بشدت محکوم شود. کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی بعنوان مرکز اصلی تروریسم اسلامی در روند صلح خاورمیانه نقش تعیین کننده دارد. این رژیم اکنون مورد نفرت مردم است. مردم ایران برای سرنگونی نظام اسلامی در میدان هستند. آینده ایران بعد از جمهوری اسلامی در روند صلح خاورمیانه فاکتوری تعیین کننده است. برقراری جمهوری سوسیالیستی در ایران فردا فضای سیاسی کل منطقه را تحت شعاع قرار میدهد. در این حالت، بر روند صلح عادلانه و پایدار در خاورمیانه تاثیر مثبت خواهد داشت. این مسیر امکان دخالت مردم منطقه را در پروسه صلح تسهیل میکند.

۲۴ آوریل ۲۰۰۲

### کمک مالی به کمیته کردستان

- ۱- جلال حسینزاده ۱۷ یورو
- ۲- مصطفی باهیر ۱۷ یورو
- ۳- عمر معروفی ۱۷ یورو
- ۴- کمال شوان ۲۳ یورو
- ۵ - آزاد ۱۶ یورو
- ۶- اسماعیل ویسی ۱۱۷
- ۷- عذرا آدمی ۱۰۰ کرون

وجه دیگری از قضیه، تروریسم اسلامی است. عدم حل مسله فلسطین منشا اصلی بقا دستجات تروریستی اسلامی و دخالت مرکز اصلی این تروریسم یعنی جمهوری اسلامی ایران میباشد. منبع اساسی مادی و معنوی دستجات تروریستی اسلامی همین رژیم اسلامی ایران میباشد. دخالت مستقیم حکومت اسلامی ایران از طرق، پول و اسلحه و... بعد دیگری از این جنگ وحشیانه

## زنده باد اول مه روز اتحاد و همبستگی بین المللی طبقه کارگر